



تاثیر و اثر بخشی روش تدریس فعال بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

فاطمه قلی پور^۱، فهیمه مظفریان^۲

چکیده

نقش مهم آموزش و پرورش، افزایش ظرفیت دانش آموزان برای رشد و نمو فردی، اجتماعی و یادگیری درسی است. ایجاد بینش های جدید در معلمان و دانش آموزان اهمیت والایی دارد. یکی از شاخص هایی که در یادگیری فرد تاثیر زیادی دارد، روش تدریس است. خلاقیت نیروی پیش برنده تمدن به جلو و پاسخی مدرن به مسائل و مشکلاتی است که با تغییرات سریع تکنولوژیکی و اجتماعی همراه می باشند. لذا پرورش آن یکی از اولویت های نظام های آموزشی جهان است. حرکت و عامل رشد و تکامل تمدن است امروزه دانش آموزان برای رویارویی با تحولات شگفت انگیز هزاره سوم باید مهارت های تفکر انتقادی و خلاق خود را به منظور تصمیم گیری مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه بهبود بخشند.

کلمات کلیدی: روش تدریس، خلاقیت، پیشرفت تحصیلی، فعالیت

^۱ کارشناس آموزش ابتدایی، اداره آموزش و پرورش نی ریز، F.Gholipour488277@gmail.com

^۲ کارشناس آموزش ابتدایی، اداره آموزش و پرورش نی ریز، mozafarianfahime@gmail.com



مقدمه

آموزش و پرورش یکی از نهادهای مهم تعلیم و تربیت و رشد و شکوفایی افراد در اجتماع بشری بوده و در این جهت است که برنامه ریزان و سیاستگذاران آموزشی ضمن تنظیم اهداف آموزشی در هر جامعه، اقدام به برنامه ریزی لازم جهت نیل به آن اهداف را انجام می دهند. عدم توجه به این اهداف، رسیدن به موقعیت مطلوب و منظور آموزشی را، ناقص و حتی غیر ممکن می سازد. آموزش یکی از مهمترین و جنجالی ترین فعالیت های بشری است و به دلیل اهمیت تربیت، نظرگاه ها و دیدگاه های متعددی در مورد آن ارایه شده و روز به روز در حال ارایه است. در همه نظریات به سه رکن اساسی «فرایند آموزش یاددهنده، یادگیرنده، و محتوا و مواد آموزشی» در قالب فرایند یاددهی-یادگیری یا همان تدریس پرداخته شده است. هر نظریه یا دیدگاه براساس معرفت -شناسی حاکم برآن نگاهی متفاوتی نسبت به تدریس دارد. اما نکته مهم این است که امروز برخلاف گذشته تدریس به معنای انتقال دانش نیست، بلکه نقش یاددهنده و یادگیرنده تغییر یافته است. و آنچه مورد توجه جدی قرار گرفته یادگیری فعال است. یادگیری فعال از دهه ۱۹۸۰ مطرح شده و در دهه ۱۹۹۰ مورد توجه جدی قرار گرفته است، و آن نوع یادگیری است که دانش آموزان را از طرق فعالیت ها و بحث های کلاسی در فرایند یادگیری درگیر می سازد و نقطه مقابل گوش دادن منفعلانه به متخصص قرار دارد. دوره های ابتدایی و متوسطه، با توجه به شرایط جسمی، روحی و عاطفی افراد به منظور تحقق اهداف در این نهاد آموزشی ایجاد شده اند. دوران نوجوانی که همزمان با ورود به مقطع متوسطه آموزشی است، شرایط جسمی و روحی متفاوتی را در فراگیران ایجاد می کند که لزوم توجه به آن، برای تحقق آن اهداف، بی شک امری مهم و اساسی می باشد. (کیوانی و جعفری، ۱۳۹۴؛ فالح کفشگری، حیدری و یحیی زاده، ۱۳۹۴) همه ی پیشرفت های شگفت انگیز انسان، زاینده ی یادگیری است. انسان بیشتر توانایی های خود را از طریق یادگیری به دست می آورد باید بیاموزیم که برای ترویج بالاترین سطوح اندیشه، نوآوری، ابتکار، خوش فکری، فردیت، پیشگامی و نیز هنر ورزی از خلاقیت پشتیبانی کنیم. با پیشرفت روز افزون دانش و فناوری و جریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمند آموزش مهارت هایی است که با کمک آن همگام با توسعه علم و فناوری به پیش برود. از این رو نیاز به پرورش انسان هایی داریم که بتوانند با تفکری خلاق با مشکلات روبرو شده و به حل آن ها بپردازند. حرکت و عامل رشد و تکامل تمدن است امروزه دانش آموزان برای رویارویی با تحولات شگفت انگیز هزاره سوم باید مهارت های تفکر انتقادی و خلاق خود را به منظور تصمیم گیری مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه بهبود بخشند. آنان باید مهارت های پژوهش حل مسئله و روحیه جستجو را در خود افزایش دهند روشن است که برای دستیابی به این هدف ها، مسئولیتی سنگین بر دوش مراکز آموزش به ویژه آموزش و پرورش قرار می گیرد. این مراکز از یک سو وظیفه آموزش دانش ها و تجهیز دانش آموزان به اطلاعات مورد نیاز آنان را بر عهده دارند و از سوی دیگر باید زمینه ای را فراهم آورند تا به رشد و پژوهش خلاقیت و نوآوری و استفاده صحیح و جهت دار از این استعداد و توانایی کمک کند. تصور غالب در نظام آموزش و پرورش ایران بر بُعد تعلیم و تربیت که مفهومی مبهم و کلی است، استوار گردیده



است؛ در حالیکه فرایندهای آموزشی باید به گونه ای طراحی شوند که فرد فراگیر را به اهداف منظور در برنامه ملی درسی رهنمون سازند (جعفری و کریمی، ۱۳۹۶). آنچه اهمیت این اهداف را بیشتر نمایان کرده همان آینده تربیتی، شغلی و اجتماعی افراد است. اگر نقصی در این فرآیند وجود داشته باشد، فرآیند جذب افراد خروجی از این نظام ها در بدنه دولت و اجتماع خلل هایی را داشته و جامعه به وضع مطلوب منظور آن ها نخواهد رسید. تغییرات سریع و روزافزون اجتماعی و ضرورت تربیت و آماده سازی افراد برای زندگی پیچیده و متنوع از یک سو و نقش های چالشی و متعددی که آدمیان در عصر جدید ایفا خواهند کرد، از سوی دیگر بیش از پیش متصدیان تعلیم و تربیت را متوجه هدایت و سازماندهی فرایندهای آموزشی به شکل مؤثر کرده است. در این بین نیاز به مهارت های موردنیاز برای رویارویی با شرایط چالشی و متغیر اجتماعی مستلزم آموزش درست اندیشیدن و پرورش قوه تحلیل و قضاوت است تا فرد توانایی سازگاری و هماهنگی لازم را با این تحولات بیابد. از آنجا که درس فلسفه اندیشیدن و قدرت تفکر و استدلال را مورد توجه قرار می دهد، نقش مهمی در بهبود سازگاری و هماهنگی دانش آموزان با تحولات اجتماعی و الزامات تعاملی آن دارد در اصل هدف از آموزش فلسفه تعلیم تفکر و استدلال است و چنین آموزشی باید به گونه ای باشد که وقتی دانش آموز از دبیرستان فارغ التحصیل می شود، تفکر مستقل و ماهرانه در وی به صورت عادت درآمده باشد (نقیب زاده جلالی ۱۳۹۹) به عبارت دیگر درس فلسفه باید مبتنی بر اصول اساسی اندیشیدن و آموزش اندیشه ورزی باشد؛ یعنی توانایی خردورزی در ذهن دانش آموز نهادینه شود و قادر به اندیشیدن باشد. دانش آموزان باید یاد بگیرند که هدفمند بیندیشند در تعبیر و تفسیر مسائل درست قضاوت کنند (لطف آبادی ۱۳۸۵)، با ماهیت جامعه آشنا شوند و نسبت خود را با جامعه ای برقرار کنند که در آن زندگی می کنند؛ بنابراین برند فلسفه برنامه درسی و نحوه ارائه آن وسیله ای مناسب برای تقویت چنین مهارت هایی است. تحقق توسعه و جامعه مبتنی بر دانش بیش از هر مؤلفه ای وابسته به آموزش با کیفیت است. شواهد حاکی از آن است که یکی از عوامل مؤثر در ارتقاء کیفیت فرایند یادگیری، استفاده صحیح، مؤثر و کارآمد فناوری های آموزش است. شناخت و کاربست فناوری آموزشی از آن روی اهمیت دارد که از طریق تسهیل یادگیری دانش آموزان و هم چنین کارآمد و اثربخش نمودن فرایند یاددهی - یادگیری معلمان به بهبود کیفیت فرایند یادگیری می انجامد. خلاقیت از پیچیده ترین و عالیت رین جلوه های اندیشه انسانی است که در رشد و تکامل فرد و تمدن بشری نقش مؤثری دارد و زیربنای اختراع ها و دستاوردهای هنری و علمی به شمار می رود. خلاقیت در علم، هنر، ادبیات و سایر جنبه های فرهنگ و تمدن همواره مورد احترام انسان ها بوده است و به همین سبب پرورش استعدادهای خلاق، همانند پرورش توانایی حل مسأله، یکی از هدف های مهم آموزش و پرورش به شمار می آید. (باقر زاده گل مکانی، بنی جمالی و سیف، ۱۳۹۴). خلاقیت نقش حیاتی در بهبود و تکامل زندگی انسان ها دارد به همین دلیل خلاقیت عامل مهمی در بقای جوامع در محیط پرقابته کنونی و مملو از مسائل و مشکلات است. امروزه خلاقیت و نوآوری و ایجاد تغییر و دگرگونی مثبت در دانش آموزان امری مهم و ضروری به نظر می رسد. (رحمان زاده، ۱۳۹۵). گسترش شیوه های مؤثر در یاددهی و یادگیری را شاید بتوان یکی از رسالت های پایان ناپذیر روان شناسان برای کمک به نظام های تربیتی دانست، خلاقیت توانایی تولید افکار جدید و ترکیب افکار موجود به شکل های جدید برای یافتن راه حل های جدید برای مسئله است.



(تورنبول و دیگران، ۲۰۱۰) در این خصوص نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه ای نقش کلیدی و اساسی ایفا می کند؛ به عبارت دیگر یکی از مهم ترین رسالت های تعلیم و تربیت شکوفایی استعدادها، پرورش و تقویت روحیه ابتکار نوآوری و خلاقیت ارتقاء فرهنگ خلاق و به طور کلی تأمین منابع انسانی پویا، خلاق، نوآور و کارآمد است. این مهم یعنی تقویت روح بررسی و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی در اصول آموزشی ما نیز مورد تأکید قرار گرفته است برای تحقق چنین اهدافی لازم است نظام تعلیم و تربیت، نظامی خلاق و خلاقیت پرور باشد. بسیاری از مسائلی که دانش آموزان در مدارس با آن ها مواجه می شوند از واقعیت گرفته شده جواب های مختلفی دارند. درخواست از دانش آموزان برای یافتن چندین راه حل مستلزم تفکر، کاوش و خودآزمایی است و توانایی دانش آموزان در به کارگیری تفکر خلاق برای حل مسائل کلید موفقیت در زندگی شان خواهد بود. شریعتمداری (۱۳۷۵)، اصل فعالیت و خلاقیت را جزء اصول تعلیم و تربیت می داند و بیان میکند: «ازجمله حقوق ابتدایی و مسلم شاگرد، این است که او را راحت بگذارند و به او اجازه دهند که خود امور را آزمایش کند و از نتایج فعالیت خود برخوردار شود فرصت کافی برای شاگرد در انجام امتحان و آزمایش ضروری است. باید از رغبت ها و عالق شاگردان در امور تربیتی استفاده شود».

محتوای آموزشی چیزی است که در اختیار همه قرار دارد اما چگونگی تدریس مهم است. موفقیت معلم در گرو استفاده از شیوه های جدید تدریس است. روش های تدریس باید به گونه ای باشد که ذهن دانش آموز در آن فعال باشد و معلم شرایط یادگیری را فراهم کند و مهارت ذهنی و قابلیت های تفکر را تقویت کند. پیشرفت تحصیلی مسأله ای است که هرساله حجم عظیمی از پژوهش ها را به خود اختصاص می دهد. در بازنگری تعداد بسیاری از پژوهش های مربوط به عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی، پژوهشگران ۲۸۸ متغیر را یافته اند که در تحقیق های مختلف رابطه آن ها با یادگیری و پیشرفت تحصیلی بررسی شده است. این متغیرها در ۳۰ موضوع و شش طبقه دسته بندی شده اند؛ بنابراین پیشرفت تحصیلی موضوعی است که به خصوص در حال حاضر توجه تمامی کشورهای جهان را به خود جلب کرده است و به منزله متغیر وابسته تحت تأثیر یک عامل نیست بلکه عوامل متعددی بر روی آن تأثیر دارند (رحیمی مند و عباسپور، ۱۳۹۴). اگر روش های تدریس با همه شرایط صحیح آن انجام شود به پیشرفت تحصیلی، معنادار شدن یادگیری و نفوذ مطالب کشف شده در عمیق ترین سطوح یادگیری منجر می شود و در نهایت باعث رشد توانایی های بالقوه فراگیران می شود (تمنایی فر و گندمی، ۱۳۹۰). پیشرفت تحصیلی علاوه بر اینکه خود به تنهایی یک هدف به شمار می آید در فراگیران انگیزه ایجاد می کند و این انگیزه به کسب بسیاری از اهداف و ویژگی های روانشناختی دیگر منجر می شود. خلاقیت یکی از عواملی است که با یادگیری ارتباط نزدیک دارد. نظام آموزشی در سال های گذشته بر فعال کردن فراگیران در امر یادگیری تأکید کرده است. هدف از فعال کردن فراگیران، پرورش خلاقیت آنان است. خلاقیت یک فعالیت فکری و ذهنی است که در طول زندگی انسان همواره به منزله نیازی عالی در تمامی ابعاد مطرح بوده است. خلاقیت مقوله ای است که پرورش آن عمده‌تاً تحت تأثیر دو عامل است. یک عامل درونی که به خصوصیات فردی افراد مربوط میشود و تحت تأثیر عوامل ژنتیکی فرد قرار دارد و دیگری عامل بیرونی که به عوامل محیطی و فرهنگی مربوط است و تحت تأثیر شرایط، مکان ها و ابزارها قرار دارد. به عبارت دیگر، اگر یک قطب خلاقیت را فعالیت ذهنی بدانیم باید قطب



دیگران را عوامل اجتماعی و فرهنگی تلقی کنیم. با علم به تأثیرپذیری خلاقیت از عوامل محیطی و فرهنگی و با توجه به اینکه آموزش فعالیتی اکتسابی و فرهنگی است، با بهره گیری از روش ها و ابزارهای مناسب آموزشی می توانیم به پرورش قدرت آفرینندگی و خلاقیت در فراگیران بپردازیم؛ زیرا این نظام آموزشی است که به مثابه عاملی در رشد انسان باید فرصت بروز و تحول توانایی های بالقوه را برای انسان ها فراهم سازد.

خلاقیت را یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشرفت جوامع بشری می دانند، که از نیازهای امروزی جوامع امروزی است. خلاقیت محصول و بازده تفکر خالق و تفکر واگرا بوده و عبارت است از توانایی اندیشیدن به راه های تازه، غیرمعمول و رسیدن به راه حل های منحصر به فرد برای مسائل و واگرایی تفکر، فرد را قادر میسازد تا با داشته ها و داده های اندک خود بتواند ایده های تازه را، مطرح کند (شعبانی، ملکی، عباسپور و سعدیپور، ۱۳۹۷)؛ توانایی تولید ایده هایی که تازه و با ارزش هستند. در مجموع می توان خلاقیت را فرآیندی روانی دانست که نتیجه ی آن به حل مسأله، ایده سازی، مفهوم سازی، ساختن شکل های هنری، نظریه پردازی و تولیداتی بدیع و یکتا می انجامد (رضازاده و اسکندری، ۱۳۹۷). خلاقیت و تولید ایده های نو را سبک نوآورانه در پاسخ های سریع و خاص به مشکلات نیز می دانند. فراگیری مهارت هایی را برای ایجاد و داشتن خلاقیت در فرد ضروری است. این مهارت ها به طور خالصه عبارتند از: بررسی راه حل های مختلف، ابتکار، درک اصل مطلب، تعویق قضاوت، توجه به عواطف، تجسم قوی، تخیل، نگاهی دوباره و متفاوت، درون کاوی و شوخ طبعی. او دیدگاه خود را از خلاقیت و خالق بودن فرد در چهار خرده مقیاس و ویژگی تعریف کرده است.

علیرغم اهمیت مسئله خلاقیت دانش آمو ان در سطح جهانی پژوهش ها و مطالعات انجام شده حاکی آن است که وضعیت برنامه ها و فعالیت های مربوط به ایجاد خلاقیت در بین دانش آمو زان مورد توجه زیادی قرار نگرفته است. برای مثال نیاز آذری (۱۳۹۱) در پژوهش خود با هدف بررسی خلاقیت و نشاط در پیشرفت تحصیلی دانش آمو زان عنوان می کند که میزان خلاقیت و نشاط در مدارس ایران بسیار پایین است و در برنامه ریزی آمو شی جایگاهی ندارد. کسب عادات درست یادگیری در خردسالی و در سال های نخستین نظام آموزشی شکل میگیرد و در طول حیات انسان تقویت می شود. مهارتهای شناختی درست مانند گوش دادن، اندیشیدن، استدلال نمودن، تفکر خلاق و جستجوگری از جمله عادات درست یادگیری است و مسئولیت سنگین پرورش این مهارت ها، بر عهده نظام آموزشی است. مشایخ، (۱۳۸۳) روش ها و الگوهای متفاوتی از تدریس طرح ریزی و اجرا شده اند که هر کدام توانایی و قابلیت هایی را در امر تدریس دارند. روش تدریس مبتنی بر خلاقیت با توجه به انواع الگوهای یادگیری در زمره خانواده نظام های رفتاری می باشد و هدف آن، یادگیری مهارت ها و مفاهیم پیچیده در طیف گستردهای از بخش های مطالعاتی بوده و مبنای نظری آن یادگیری اجتماعی است (شعبانی، ۱۳۹۰) خلاقیت در واقع نمونه ای از یک عنصر واقعی و یا نمایشی از یک فرآیند بوده چنانکه آن را نسخهای از بعضی وسایل حقیقی و یا موقعیت های کاری می دانند، که تلاش می کند؛ بعضی از جنبه های رفتاری یک سیستم فیزیکی یا انتزاعی را به وسیله رفتار سیستمی دیگری، نشان دهد.



کاربرد خلاقیت در امر آموزش

اگر ما بخواهیم کودکان سرآمد و خلاق پرورش دهیم بایستی نظام آموزشی، عوامل تأثیرگذار در این زمینه را شناسایی و برای آموزش راهکارهایی که منتهی به افزایش و توسعه نگرش خلاقیتی به آنان می گردد، برنامه ریزی کند و یکی از مهمترین عناصر شناخته شده که ارتباط بلافصلی با دانش آموز و پرورش استعدادهاى مختلف وی دارد، معلم است و فرض بر این است که اگر معلم با نگرشی نوین، خلاق و مجهز به ابزارها و تکنیکهای خلاقیتی، قدم به صحنه آموزش گذارد، به طور طبیعی دانش آموزانی توانمند، خلاق و دارای اندیشه نو برای مواجهه خردمندانه با زندگی و حل مسائل دنیای بشری به اجتماع تحویل خواهد داد. انسان هایی که از رویارویی با مسائل نهراسند، به راه های متفاوت و تازه برای بررسی موضوع دستیابی به برترین راه حل ممکن بیندیشید و در نهایت اینکه فلک را سقف بشکافند و طرحی نو در اندازند (افشار کهن، ۱۳۹۰)

عوامل دخیل در خلاقیت چیست؟

از نظر گیلفورد: توانایی های انسان را نمی توان با جنبه ها و اشکال محدودی تعریف کرد و شناخت. لذا پس از آزمایش های فراوان باید گفت: کلیه نیروهای فکری انسان، برآیندی از حدود ۱۵۰ عامل است که می شود هر کدام را جداگانه سنجید و از این تعداد چند ویژگی مستقیماً بر خلاقیت موثر اند که عبارتند از:

روانی و سیالیت جریان فکر

انعطاف پذیری نیروی فکر

اصالت اندیشه و تصمیم گیری

به اعتقاد او افرادی که تمایل کمتری به رفتار خلاق دارند صاحب تفکر هم گرا هستند، یعنی بیشتر رفتار تکراری و مطابق عرف و عادات را از خود بروز می دهند. اغلب محققین عواملی مانند؛ ابتکار، روحیه سازندگی، اعتماد به نفس، برخورداری از قضاوت شخصی و مستقل را نام برده اند. گفته شده، افراد خلاق قادرند روابط جدیدی بین پدیده های موجود کشف کنند و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. در حالی که افراد عادی به این پدیده ها و روابط حاکم از دیدگاه معمولی و مرسوم نگاه میکنند و نکته جدیدی به نظرشان نمیرسد. اما همین باورها و نگاه های مرسوم و معمول را شاید بتوان با پرورش و آموزش خلاقیت تغییر داد. (اسدی، ۱۳۸۹)

اهمیت و ضرورت



ضرورت کشف خلاقیت و رشد آن در افراد یک جامعه بر کسی پوشیده نیست. خلاقیت یکی از نیازهای انسان است که ما را از دیگر موجودات متمایز می کند. توانایی های خلاق در همه مردم با درجات مختلف وجود دارد. آنچه بر عهده ماست این است که آن را شکوفا نماییم. امروزه یکی از خلاءهایی که در فرهنگ ما دیده می شود، مسئله توجه نکردن علمی به نوآوری، ابداع گری و آفرینشگری است و این مشخصه ای است که جوامع مترقی را از جواب عقبمانده متمایز میکند و شاید که با شناسایی و تربیت قدرت خلاقانه افراد جامعه بتوان از شدت عقب ماندگی جوامع کمتر توسعه یافته کاست. اسدی (۱۳۸۹) برای پیشرفت و حرکت رو به آینده برتر و حل انبوه مسائل و مشکلات موجود به خصوص در هزاره سوم میلادی و در عصر طلایی که معروف به عصر انفجار اطلاعات است و تغییر و تحول مستمر و پرشتاب از اصلی ترین شاخصه های حاکم بر حیات بشری است، جامعه انسانی ناگزیر به حرکت در جاده خلاقیت، نوآوری و ابتکار است؛ و لذا برای دستیابی به این مهم باید به تاثیر پذیر ترین گروه جامعه یعنی کودکان و نوجوانان سرمایه گذاری نماید، زیرا آغاز انگیزه کنجکاوی و خلاقیت در کودکان نسبت به همه گروههای سنی قوی تر بوده و هر اندازه محیط زیست آنان از نظر منابع اطلاعاتی غنی تر باشد، این انگیزه از طریق ساز و کارهای جدید از قبیل پرسشگری، برانگیختن کنجکاوی و چون و چرا کردن و پژوهشگری از قوه به فعل در آمده، موجب رشد خلاقیت می شود. و لذا کنجکاوی در واقع عشق به کشف و دانستن و نوآوری است، عشق به کسب اطلاعات تازه و عشق به رسیدن به موقعیت هاست که منشأ و ریشه رفتارهای خلاقانه و نوآورانه است؛ در نتیجه آموزش و پرورش باید چشمه های جوشان این کنجکاوی را سیلان بخشد و روش های آموزشی را بر پایه باورهای خلاق بنا کند تا طرح دیدگاه های تازه و بدیع در مسائل مختلف این مهم را میسر سازد. بر این اساس اگر مدارس ما به نظرات متفاوت و احیاناً غیر عادی ارج نهند و معلمان، مربیان و اولیا دانش آموزان نه تنها اجازه دهند تا کودکان مطابق ذوق و سلیقه خودشان اشیا و امور را کشف کنند بلکه آن ها را مورد تشویق و ترغیب نیز قرار دهند؛ در آن صورت زمینه های توسعه و شکوفایی استعدادها فراهم خواهد شد. چراغ چشم (۱۳۸۶) روش تدریس باید به برقراری ارتباط عاطفی میان معلم و فراگیر کمک کند و در توزیع زمان به گام ها و مراحل، چنان دقیق باشد که در پایان درس نیز خاتمه یابد. روش تدریس باید انعطاف پذیر باشد؛ یعنی عوامل خارجی را که ممکن است پیدا شوند، در نظر بگیرد. (شعاری نژاد، ۱۳۸۷). روش های تدریس و یادگیری متداول در اکثر نظام های آموزشی بر گوش دادن و بیان لفظی و حفظ کردن مطالب درسی استوار است. به جای تبادل نظر و تفکر و بحث درباره امور و پدیده ها، معلم مطالب را بیان می کند و شاگردان گوش می کنند و سپس آنها را تکرار می کنند. (بیابانگرد، ۱۳۸۷).

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه پژوهش های علمی-پژوهشی معتبر در پایگاه های اطلاعاتی و پایان یافته کارشناسی ارشد و دکترای که به روش آزمایشی یا نیمه آزمایشی به بررسی اثربخشی روش های تدریس فعال بر پیشرفت تحصیلی و خلاقیت دانش آموزان پرداخته اند می باشد.



بحث و نتیجه گیری

تربیت نیروی انسانی یکی از برجسته ترین شاخص های تحول و پیشرفت محسوب می شود. چنین تحولی تحقق نخواهد یافت، مگر آنکه طرز تفکر و عمل مدیران و نظام های آموزشی، به ویژه معلمان تحول یابد. محیط های آموزشی زمانی می توانند اثربخش و کارآمد باشند که کلیه فعالیت های آموزشی دارای معیارهای مشخص علمی باشند. رشد روزافزون اطلاعات و چالش های مربوط به آن، دلیلی است که لزوم توجه به پرورش تفکر و تعقل را در برنامه های درسی مدارس توجیه می کند؛ عدم پرورش یک دانش آموز نقاد و خلاق که توان انتخاب و به کارگیری این اطلاعات و همگام شدن با آن را داشته باشد. از آنجا که برنامه های دوره های مختلف تحصیلی در کشور ما تا حدی تخیل را ضعیف و به تباهی خلاقیت کمک می کند، برای پرورش خلاقیت در کودکان باید از شیوه های جدید استفاده کرد. لازمه افزایش رشد خلاقیت و یادگیری، به کارگیری روش های تدریس متناسب با عصر فناوری اطلاعات است. یکی از نظریه های دوران معاصر که متناسب با عصر فناوری اطلاعات است و بر یادگیرنده خلاقیت فراگیران تأکید دارد، نظریه سازنده گرایی است. در تبیین این یافته، می توان گفت بهره گیری از روش های فعال می تواند باعث رشد این کارایی در دانش آموزان شود که در برخورد با مسائل و مشکلات، هنگامی که تغییر شکل می دهند و یا از بعد دیگری مطرح می شوند، جهت فکر خود را تغییر دهند و با مسئله همسو شوند. این موضوع برخلاف نظر و عمل تعداد زیادی از مربیان است، چراکه بسیاری از معلمان، همواره شاگردان را تشویق می کنند تا سوالات را درست مانند متن کتاب پاسخ دهند. نتیجه این روش ها، رشد دانش آموزان قالبی و غیرقابل انعطاف است که به این مهم باید با توجیهات لازم و آموزش های مناسب مربیان، معلمان و متصدیان تعلیم و تربیت توجه خاص مبذول شود. به علاوه، پژوهش نشان داد استفاده از روش تدریس فعال در رشد قابلیت بسط تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش های آموزش سنتی است. استفاده از این روش ها باعث افزایش قابلیت بسط در پاسخ های دانش آموزان می شود. به عبارت دیگر، بهره گیری از این روش می تواند دانش آموزان را در مواجهه با موضوع جدید، اعم از علمی، ادبی و اجتماعی توانا سازد، تا ضمن توجه به مفهوم و محتوای اصلی به جزئیات نیز توجه کنند و بتوانند شرح، توضیح و تفسیر مناسبی از جزئیات را هم ارائه دهند. اغلب دانش آموزان در مدارس، مفاهیم را به صورت کلی می آموزند و کمتر به جزئیات توجه نشان می دهند. درواقع عنصر بسط از توانایی است که سبب توجه بیشتر به مسئله، دقت نظر، پیگیری و درنهایت، به نتیجه رساندن آن می شود. روش تدریس های نوین باعث افزایش قابلیت ابتکار در پاسخ ها، ایده ها و فعالیت های دانش آموزان می شود. به عبارت دیگر، بهره گیری از روش تدریس های فعال، زمینه را برای بروز ایده های ابتکاری دانش آموزان فراهم می کند. این مهم یکی از اهداف نظام های تعلیم و تربیت کنونی دنیا است. نتیجه پژوهش نشان داد که استفاده از روش تدریس مناسب در رشد قابلیت انعطاف پذیری تفکر دانش آموزان مؤثرتر از روش تدریس های آموزش سنتی است.



منابع

- اسدی، نسترن. (۱۳۸۹). خلاقیت در مدارس. تهران: انتشارات عابد.
- افشارکهن، زهرا، عصاره علیرضا. (۱۳۹۰) بررسی تاثیر آموزش خلاقیت به معلمان بر خلاقیت دانش آموزان پایه اول ابتدایی استان خراسان، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. سال اول، شماره دوم.
- باقرزاده گل مکانی، زهرا، بنی جمالی، شکوه السادات، سیف، علی اکبر (۱۳۹۴)، مقایسه روند تحول خلاقیت دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه در مناطق بالا و پایین، نشریه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۳
- بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۷)، روش های پیش گیری از افت تحصیلی، تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان، چاپ ششم
- تمنایی فر، محمدرضا، گندمی، زینب (۳۹۰)، رابطه انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان، نشریه علمی - پژوهشی راهبرد های آموزش
- جعفری، عمار، کریمی، فریبا (۱۳۹۶)، سیاست گذاری حرفه ای در نظام آموزشی در هزاره سوم با تاکید بر مبحث آینده پژوهی، نشریه شباک، شماره ۱۰
- چراغ چشم، عباس، (۱۳۸۶)، بررسی تاثیر شیوه های تدریس مبتنی بر تکنیک های خلاقیت در آموزش و یادگیری دانش آموزان، - دو فصلنامه تربیت اسلامی.
- رحمان زاده، علی، (۱۳۹۵)، عوامل سازمانی مؤثر بر ارتقای خلاقیت و نوآوری در سازمان صدا و سیما، نشریه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۶، شماره ۳
- رحیم مند، مریم، عباس پور، عباس (۱۳۹۴)، تاثیر شیوه های جدید آموزش بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی دوره ۴، شماره ۴
- رضازاده بهادران، حمیدرضا و مهتاب، اسکندری، ۱۳۹۷ بررسی محتوای کتاب ریاضی پایه دهم دوره متوسطه بر اساس الگوی خلاقیت گیلفورد، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی دوره ۸، شماره ۱
- شریعتمداری، علی. ۱۳۷۵، اصول فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات سمت
- شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۸۷) روان شناسی تربیت و تدریس، تهران: نشر اطلاعات، چاپ اول
- شعبانی، حسن (۱۳۹۰)، روش تدریس پیشرفته آموزش مهارت ها و راهبردهای تفکر، انتشارات سمت
- شعبانی، مرتضی، ملکی، حسن، عباس پور، عباس، سعدی پور، اسماعیل، (۱۳۹۷) طراحی مدل برنامه درسی مبتنی بر خلاقیت در دانشگاه سازمانی، نشریه پژوهش در برنامه درسی، شماره سی و یک



- کیوانی و جعفری، فالح کفشگری، حیدری و یحیی زاده، (۱۳۹۴)، هوشمندسازی مدارس راهکاری برای بهبود خلاقیت دانش آموزان، نخستین نمایش ملی برنامه ریزی و تحول نظام آموزشی
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵) خرد مینوی در روش شناسی می پژوهش های روانشناسی و علوم تربیتی در ایران، روش شناسی علوم انسانی زمستان ۱۳۸۵، شماره ۴۹
- محمودی، فیروز (۱۳۹۱). طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر مساله در دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی و امکان سنجی آن در آموزش عالی ایران. رساله دکتری دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
- مشایخ، فریده. (۱۳۸۳). دیدگاه های نو در برنامه ریزی آموزشی. تهران: انتشارات سمت.
- نقیب زاده جلالی، میر عبدالحسین (۱۳۹۹)، کتاب نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، انتشارات آدینه بوک